

عنوان مقاله:

فقر مبانی نظری در گرایش های زبان و ادبیات فارسی

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 15، شماره 58 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

علیرضا محمدی کله سر - Shahr-e Kord University

خلاصه مقاله:

گرایشهای مصوب رشته زبان و ادبیات فارسی در کنار برخی فایدهها، اشکالاتی بنیادین نیز دارند. مهم ترین اشکالشان فقر مبانی نظری در تعریف این گرایش هاست. همین فقدان بنیان های نظری مشخص و روشمند، موجب دخالت برخی مبانی و پیش فرض های ناآگاهانه در هدف گذاری این گرایش ها و تعریف برنامه های درسی آن ها شده است. در مقاله حاضر با مرور برخی از این گرایشها به بحث درباره این مبانی غیرروشمند و مشکلات و آسیب های آن ها پرداخته ایم. مهمترین این موارد عبارت اند از: فهم متعارف از ادبیات و مفاهیم وابسته، تغییر ماهیت برخی دروس و گرایش ها در اثر سلطه ادبیات عامیانه، تقلیل گرایی در نگاه به متون و موضوعات به سبب تاکید سطحی بر بومی سازی، و تکیه بر رویکرد تک رشته ای. این موارد پیوندی نزدیک با یکدیگر دارند؛ یعنی وجود یکی از آن ها (به ویژه تکیه بر فهم متعارف از ادبیات) در یک گرایش، کم و بیش دیگر اشکالات را نیز در آن گرایش ایجاد کرده است. این مبانی غیرروشمند، بیش از همه بر ضعف نگاه پژوهشی در ادبیات دانشگاهی اثرگذارند و به فاصله گرفتن از نگاه انتقادی و مسئله محور در این گرایش ها دامن زده اند. در این مقاله بر برخی دیگر از معیارها همچون توجه به رویکرد میان رشته ای برای گسترش روشمند و پژوهش محور رشته ادبیات نیز تاکید شده است.

کلمات کلیدی:

Persian Language and Literature, curriculum, theoretical basis, critical thinking, Methodology, interdisciplinarity, زبان و ادبیات فارسی، برنامه درسی، مبانی نظری، تفکر انتقادی، روش شناسی، میان رشتهگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1836177>

